

غزل شماره ۴۳۳

ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی
لطف کردی سایه ای بر آفتاب انداختی

تا چه خواهد کرد با ما آب و رنگ عارضت
حالیا نیرنگ نقشی خوش بر آب انداختی

گوی خوبی بردی از خوبان خلق شادباش
جام کینخسرو طلب کافر سیاب انداختی

هر کسی با شمع رخسارت به وجهی عشق باخت
زان میان پروانه را در اضطراب انداختی

کنج عشق خود نهادی در دل ویران ما
سایه دولت بر این کنج خراب انداختی

زینهار از آب آن عارض که شیران را از آن
تشنه لب کردی و گردان را در آب انداختی

خواب بیداران بستی وان که از نقش خیال
تهمت بر شب روان خیل خواب انداختی

پرده از رخ برکنندی یک نظر در جلوه گاه
و از حیا حور و پری را در حجاب انداختی

باده نوش از جام عالم بین که بر اورنگ جم
شاهد مقصود را از رخ نقاب انداختی

از فریب ز کس مخمور و لعل می پرست
حافظ خلوت نشین را در شراب انداختی

و از برای صید دل در گردنم زنجیر زلف
چون کمند خسرو مالک رقاب انداختی

داور دار اشکوه ای آن که تاج آفتاب
از سر تعظیم بر خاک جناب انداختی

نصرت الدین شاه یحیی آن که خصم ملک را
از دم شمشیر چون آتش در آب انداختی

تفسیر فال

انسانی عادل و حقیبن هستید که در رفتار و گفتارتان هماهنگی کامل برقرار است. دل و زبان شما یکی است و این یکپارچگی باعث می‌شود تا دیگران به صداقت شما ایمان بیاورند. اگر کسی با نیکی در حق شما عمل کند، نه تنها از آن خوبی‌های قدردانی می‌کنید بلکه با کمال سخاوت چند برابر آن را جبران می‌کنید. حجب و حیا شما به قدری عمیق است که حتی فرشتگان را نیز حیرت‌زده می‌کند، چرا که این ویژگی‌های انسانی شما نماد خلوص و

بزرگمنشی هستند. هر چیزی را که با قلبی خالص طلب کنید، به زودی به دست خواهید آورد؛ گویی دعای شما در آسمان‌ها شنیده می‌شود و باران برکت‌ها بر سر شما نازل می‌گردد. برای کوچک‌ترین نعمت‌هایی که خداوند به شما عطا کرده، شکرگزاری کرده و سپاسگزار هستید، زیرا درک عمیق‌تری از ارزش این نعمت‌ها دارید. حتی زمانی که دچار خشم یا غضب هستید، مانند آب سرد و زلالی باقی می‌مانید که آرامش‌بخش اطرافیان خود هستید؛ ویژگی‌ای نادر که نشان‌دهنده قدرت کنترل نفس و متانت بالای شخصیت شماست.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)